

مقاومت نکرد و « ناصریه » را قوای ما تصرف نمود . در این عملیات دشمن تمام توپخانه خود را با مقادیر زیادی ذخائر و مهمات و سایر مواد جنگی از دست داد . چند روز بعد در نتیجه اکتشافات معلوم شد که ناحیه « فرات » تقریباً در شصت میل مسافت از دشمن خالی شده است ، از تاریخی که فتح نصیب ما شد دیگر جنگی در کنار « فرات و دجاه و کارون » روی نداده است .

آب و هوای این صحنه جنگ عملیات را بی نهایت دشوار ساخته بود . درجه حرارت بسیار شدید بود ؛ وضعیت باطلاقیها و مردابها طوری است که این سرزمین را غیر قابل عبور نموده بود ؛ موفقیت قوای اعزامی در نتیجه رشادت و پایداری افسران و افراد است که درگیر جنگ شدند .

اردو کشی بسمت بغداد و محاصره کوت

در نتیجه شکستی که در سپتامبر ۱۹۱۵ صیب قوای عثمانی مدافع « کوت العماره » گردید سر جان نیکسن (Sir John Nixon) و اولیای نظامی هندوستان ژنرال تاوونشند (Townshend) در توردادند بسمت بغداد پیشروی نماید ژنرال تاوونشند « خودش مشکلات وضعیت را تشحیص داد ، ولی با وجود اعتراض او تغییر در دستورات صادره داده شد ؛ بدین طریق مأموریتی را که او بر عهده گرفت در سراسر تاریخ نظامی یک ماجرای غیر قابل تصویری است . قوای او زیادتر از یک لشکر نبود و نکیه گاه او در دریا در مسافتی متجاوز از هصد میل واقع شده بود . یگانه خط مواسلات او رودخانه ای بود که اغلب نقاط آن کم عمق و خطرناک بود . سرزمینی که در آنجا عملیات وقوع مییوست عبارت بود از بیابانهای لم یزرع و باطلاقیها ، آفتاب سوزان آسبائی آن برای سلامتی افراد سفید پوست بی نهایت خطرناک بود . قوای ژنرال تاوونشند به تنها از حیث تعداد کمتر از قوای دشمن بود بلکه رساندن قوای امدادی هم بآن ممکن نبود در صورتیکه برای عثمانیها امکان داشت .

مسئله هیچ فرماندهی بچنین اقدام پائس آوری مبادرت نکرده است . با وجود این ، عملیات مزبور آغاز خوشی داشت . عثمانیها پس از شکست در

«کوت» در اوایل ماه اکتبر ۱۹۱۵ در مقابل پیشرفت انگلیسها سرعت عقب نشینی میکردند، انگلیسها در این پیشروی قسمتی از خشکی و قسمتی از رودخانه عبور مینمودند.

در چهارم آن ماه پنجاه میل در جهت مخالف جریان آب رودخانه از سمت «کوت» پیشرفت کردند و نایبست و سوم ماه نیروی انگلیس بیش از نیمه راه بغداد را طی کرده بود.

لیکن مقدر چنین بود که نیروی مزبور اندکی نیز پیشرفت نماید. در آن طرف «لاج» (Lajj) در نزدیکی «نیسفون» دستجات قوای ما در ۲۲ نوامبر موفقیت حاصل کردند. عثمانیها دارای موضع مستحکمتری بودند؛ قوای امدادی بکک آنها میشتافت. طامع بانها رخ نمود. در ۲۴ نوامبر عثمانیها حمله کردند، گرچه خود آنها تلفات زیادی دادند ولی تلفات ما که تقریباً ناکت مجموع نیروی ما بود، بنا بر این سبب بیشتر بود؛ مقارن نیمه شب ۲۵ ما شروع به عقب نشینی نمودیم.

اقبال با قوای کوچک ما باری کرد چه دشمن بواسطه لغت سختی که دیده بود بانای بسیاری ما را تعاقب مینمود. ولی با وجود این ژنرال تاوانشند فقط پس از طی ۲۷ میل راه توانست قوای خود را متوقف سازد؛ پس از چند ساعتی استراحت، مجدداً پانزده میل دیگر طی نمود. با اینکه نا «کوت» بیش از ۴ میل مسافت بود قوای او بحدی خسته و فرسوده شده بود که فقط یکروز بعد توانستند بزحمت خود را بشهر برسانند. عثمانیها هم فوراً از هر سمت راهها را بر آنها سدود ساختند و محاصره بزرگ شروع شد.

قوای امدادی انگلیس بفرماندهی ژنرال گارینج (Gorringe) در راه بود ولی دو موضوع مانع حرکت آنها میگردد: اولاً سیل و ثانیاً شهادت عثمانیها بود که بدستور افسران آلمانی عملیات میکردند؛ دفعه دوم در آوریل ۱۹۱۶ که ژنرال مزبور نتوانست در «تانیات» (Sanna i-Yat) موفقیت حاصل کند سرنوشت «کوت» کاملاً معلوم گردید یعنی محکوم بسقوط بود. ژنرال تاوانشند مدت ۱۴۳ روز مجدداً مقاومت کرد، در اواخر کار جیره افراد بروزی ۱۲۱ گرم آرد

و کمی گوشت اسب تقلیل یافته بود.

در ۲۹ آوریل خاتمه یافتن آذوقه و سقوط «کوت» از طرف وزارت جنگ اعلام گردید. در آن روز اعلامیه‌ای نیز در اسلامبول صادر و عده اسرانی که گرفتار عثمانیها شده بودند چنین صورت دادند: ۵ ژنرال، ۲۷۷۰ افسران انگلیسی، ۲۷۴ افسر هندی و ۱۳۰۰۰۰ سرباز.

بغداد و ماوراء آن

فوریه - مارس ۱۹۱۷

در مراحل اولیه جنگ حملات ناپهنگام و بی نتیجه‌ای که به «داردابل» بعمل آمد و شکستی که به اولین قوای اعزامی ما در کنار دجاه وارد گردید به حیثیت بریتانیا در شرق اعمه وارد ساخت. در اثر یک تصادف عجیب در همان لحظه‌ای که دولت در انگلستان نتیجه تحقیقات کمیسیون «داردابل» را منتشر میساخت و بطور غیر مستقیم کسانی را که برای اخراج عثمانیها از اروپا مسبب اصلی آن عملیات مصیبت آور بودند مورد توبیخ قرار میداد، سر استانی آمد (Sir Stanley Maude) و ارتش دایروی در بین النهرین شکست و عقب نشینی ژنرال تاوشند را تا «کوت المار» و ماوراء آن جبران گردید. «کوت» بعد از جنگ مختصر و ای شددیدی در ۲۴ فوریه تسخیر شد.

پس از سقوط «کوت» سوار نظام محلاً در تعاقب عثمانیها حرکت کرده اقداماتی که برای جاوگیری از عقب نشینی آنها در پنجم ماه عمل آمدنی نتیجه ماند. پس از دو روز سواره نظام مشاهده نمود که دشمن در کنار رود «دیاله» موقعیت محکمی دارد، عرص رودخانه مزبور سی یارد (قریب ۲۲ ذرع) و غیر قابل عبور بود؛ در آن ناحیه برد سختی شروع شد. قوای سوار نظام تا طرف دجاه در پائین محل اتقای آن رودخانه به «دیاله» اعزام شد، قوای مزبور عثمانیها را تا شش میای مداد تعاقب نمود. ضمناً پیاده فاه در هشتم ماه از دیاله عبور کرده و با وجود هوای طوفانی و گرد و غبار عثمانیها را بسمت شهر عقب راند. فشار دشمن از هر دو ساحل دجله وارد میامد. در شب یکشنبه قوای طرفین در تماس بودند

و همینکه پاسی از شب گذشت عثمانیها عقب نشستند ، و بامداد ۱۱ مارس قوای ما وارد شهر شد . سوار نظام ما اقدام به تعاقب عثمانیها نمود ، و پس از اندکی مقاومت دشمن « کاظمین » را تصرف نمود و یکصد نفر اسیر بدست آورد . روز دوشنبه و سهشنبه تعاقب دشمن دوام داشت و دستجاتی که در حال پیشرفت بودند به سی میای شهر رسیدند .

در آخر ماه آگاهی حاصل شد که روسها در آن طرف مرز ایران بناحیه شمالی راه کرمانشاه رسیده اند ، اینک ژنرال باراتف و ژنرال مدکوشس میکنند عساکر عثمانی را که در ایران مشغول عملیات بودند محاصره نمایند .



عملیات در فلسطین

عملیات در فلسطین کاملاً با عملیات بین النهرین مربوط بود : عملیات مزبور عثمانیها را وادار کرده بود که بسمتهای مختلف متفرق شود و نقصان خطوط آهن در آن محدود توسعه عملیات را در خطوط داخلی میسر نمینمود .

انگلیسها در فلسطین مقصود خود را بتأمین « ترعه سوئر » محدود برگزیده و نقشه های وسیعی برای تصرف اراضی در نظر گرفتند که پس از انعقاد صلح بان نائل گردید .

عملیات انگلیسها در آسیا و عملیات اودندرف در روسیه بمنظور تحصیل مستعمرات بود لذا باعث تفرقه عملیات و مانع از تمرکز قوا در سحنه های اصلی میگردد . فالکنهاین کاملاً ذیحق بود که اودندرف را متهم بطولانی کردن عملیات یائیز سال ۱۹۱۵ در جبهه شرق مینمود چه عملیات مزبور مانع از تمرکز قوای کافی آلمان در محاربات یائیز آن سال در مغرب شده بود ؛ فراسویها نیز بنوبه خود از انگلیسها شاکی بودند که چرا در سال ۱۹۱۶ لشکر اضافی بفلسطین اعزاء داشتند در صورتی که قوای مزبور برای عملیات جدی در جبهه غرب مورد احتیاج بود و مانع شد که بتوانند در جبهه مزبور آلمانها را درهم شکسته

و در همان پائیز ۱۹۱۶ جنگ را خانمه دهند.

فی الواقع، در پایان آن سال انگلیس متدرجاً ۱۳ لشکر پیاده و ۲ لشکر سوار برای عملیات در فلسطین متمرکز داد.

مقارن این اوقات، تهیه امور عقب سر نیروی انگلیس در شبه جزیره «سینا» خانمه یافت، یعنی ساختمان راه آهن از ترعه سوئز تا «رفه» (Rafa) پایان رسید. در ماه مارس ۱۹۱۷ انگلیسها تصمیم گرفتند تعرض خود را توسعه دهند و «غزه» (Caza) را تصرف کنند. ولی حمله ناگهانی آنها در ۲۶ مارس بآن نقطه دچار عدم موفقیت گردید، و حمله متقابل عثمانیها نیز توفیق نیافت، و جریان بعدی عملیات در آن محدود متوقف شد.

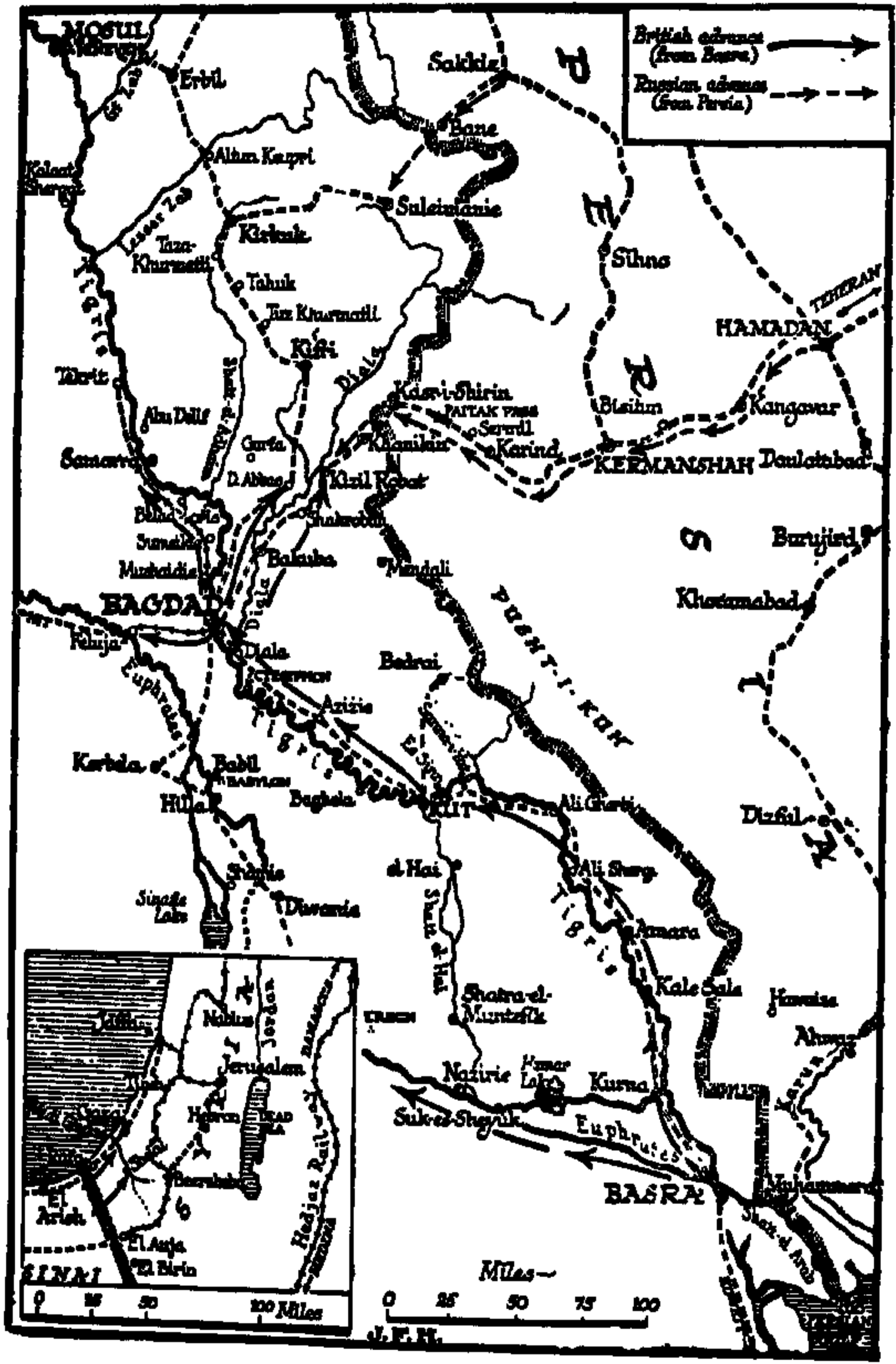
جبهه روس

انقلاب روسیه پس از سقوط رژیم نزاری با سرعت توسعه مییافت ولی انقلاب مزبور برخلاف انتظار ژنرالها و سیاستمداران وقت که اقدام بسقوط نزار کرده بودند سورت دیگری پیدا کرد و جنبه افراطی به خود گرفت: در روسیه دو جریان مخالف عرض اندام نمود که فشار و تأثیرات شدید آن کاملاً متوجه ارتش گردید: یک جریان طرفدار ادامه جنگ تا نیل بفتح و جریان دیگر طرفدار انعقاد سریع صلح بدون مطالبه خالص و غرامت جنگ بود. کشمکش داخلی روسیه که ارتش هم دچار آن شده بود اقدام بعملیات مهم تعرضی را بکلی غیر ممکن میساخت.

در نیمه اول سال ۱۹۱۷ ارتش روس بعملیات تعرضی اقدام نکرد.

در این هنگام ارتش روس در حال متلاشی شدن بود. فقط در ماه ژوئن کرنسکی توانست بوسیله قوه اطقه خویش موقتاً یک قسمت از ارتش را برای تعرض حاضر نماید، و این موضوع، بطوریکه بعداً خواهیم دید، بحملات ماه ژوئیه منجر گردید.

ولی عجبالتاً تمام مساعی فرمادهی روس، علاوه بر تنسیقات داخلی ارتش،



نبرد نهر

پیشروی نیروی انگلیس و روس در بین النهرین در سال ۱۹۱۷
(مقابل صفحه ۵۲۸)

متوجه تمرکز قوا در جبهه شمال بود که « پطروگراد » را میپوشاند ، چه دولت موقتی از تصرف « پطروگراد » از طرف آلمانها مخصوصاً در يك همچو موقعی فوق العاده نگران بود .

آلمانها نیز در جبهه روس بعملیاتی مبادرت نمیکردند و علت هم این بود که ترس داشتند مبادا تعرض آنها موجب اتحاد ملت روس و ایجاد احساسات ملی شود و بالتیجه این موضوع مانع متلاشی شدن ارتش آندولت گردد .
آلمانها در آن جبهه رویه دیگری را اتخاذ کردند که عبارت بود از ایجاد مودت و برادری که سر باز روس را تمدداً برای خاتمه دادن به جنگ تبلیغ میکردند .

نتیجه مرحله یکم

عملیات سال ۱۹۱۷ با تفوق و برتری قوا و وسایل متفقین شروع شد ، و بنا بر این آنها امیدوار بودند که در آن سال جنگ را بفتح خود خاتمه دهند . از طرف دیگر دول مرکزی کاملاً دریافته بودند که جنگ را باخته اند لذا برای جاب رضایت افکار عامه اقدام بمذاکرات صلح نمودند ولی زمینه آنرا طوری فراهم کردند که نظر حزب نظامی در عدم پیشرفت آن تأمین شده بود . امیدواری دول مزبور فقط به پیش آمد های فوق العاده بود که بصورت انقلاب در کشورهای متخاصم بروز کند . از این حیث آنها توجه خاصی بروسبه معطوف نموده بودند . مقاصدی که فالکنهاین و اودندرف در سال ۱۹۱۵ داشتند بالاخره عملی شد و نقشه منظم متفقین واژگون گردید .

در نیمه اول سال ۱۹۱۷ در داخله دول متخاصم مبارزات مهم سیاسی جریان یافت که بر دشمنان آنها پوشیده نماند ، لذا آنها تلاش مینمودند که از این نزاع داخلی برای پیشرفت مقاصد خویش استفاده نمایند و این موضوع را یکی از مقاصد عملیاتی خود قرار دادند .

دول روس ، اطریس ، بلغارستان و حتی آلمان و فرانسه دچار خشم و غضب نوده ملت خود ، که از جنگ طولانی خسته شده بودند ، گردیدند .

مرکز ثقل عملیات این مرحله منحصرأ متوجه انگلیسها و فرانسویها گردید که عملیات وسیعی را در نظر گرفتند ، قوا و وسایل بی نظیری را تمرکز دادند ولی بمقصد خود نائل نگشتند . ارتشهای دول اروپا هنوز در مرحله تجسس طرق مبارزه با وسایل فنی عصر حاضر و جنگ موزمی بودند .

وحدت فرماندهی ، نه فقط بین صحنه های فرانسه ، سالونیک و ایتالیا بود بلکه بین فرانسویها و انگلیسها هم که در يك جبهه مشغول جنگ بودند وجود نداشت .

فشار زیاد دولت فرانسه نسبت بفرماندهی خود در تولید عدم موفقیت وی بی تأثیر نبود .

آماها بموقع توانستند بمواضع پشت سر عقب نشینی کنند .

ناوگان هوایی برای نخستین بار مانند عامل جنگی مهم میدانهای نبرد در عملیات شرکت کرد .

نتیجه مداخله امریکا در جنگ عجالتاً در روحیه توده ملل تأثیر بخشید . دولت فرانسه نقشه خود را برای تحلیل بردن قوای خصم قرار داده بود .

بخش هیجدهم

عملیات جنگی در سال ۱۹۱۷

(پایان سال)

- ۱ - مبارزه در جبهه غرب: عملیات فرانسویها، عملیات انگلیسیها (نبرد فلاندر - نبرد کامبره).
- ۲ - انقلاب روسیه و عکس العمل آن در ایتالیا .
- ۳ - صحنه روس: عملیات ریگا، خروج روسیه از جنگ ، ۴ - صحنه آسیا : عملیات در بین النهرین و فلسطین ، ۵ - نتیجه عملیات جنگی در سال ۱۹۱۷ - نتیجه عملیات در پایان سال ۱۹۱۷ (از نظر فرانسویها) .

۱ - مبارزه در جبهه غرب

الف (عملیات فرانسویها

۱ (خط مشی جدید جنگ - در ۱۷ مه ، ژنرال « پتن » (Pétain) ، فرماندهی کل ارتشهای فرانس را عهده دار گردیده بود . در ۱۹ مه ، خط مشی جدیدی را که برای جنگ اتخاذ نموده بود در دستور نخستین خود تشریح میکرد بدین طریق : نظر بموازنه قوای متخاصم ، بایستی از فکر شکافتن جبهه دشمن منصرف شد . ما باید خط مشی خود را محدود کنیم باینکه قوای دشمن را با حداقل تلفات بتحلیل ببریم . برای تأمین این منظور ، بایستی حملاتی ، با هدفهای محدودی ، در نظر بگیریم ، و این حملات را با اعمال حداکثر وسائل توپخانه سنگین ، در قطعاتی که دشمن به حفظ آنها علاقمند باشد اجراء نمائیم . عمل اصلی که بایستی تعقیب کنیم عبارت از عمل غافلگیری خواهد بود .

این سبک جدید نباید بر اعمال آئین جنگی نازده ای حمل گردد ، بلکه طریقه مزبور لازمه این وضعیت ناگهانی بود که از اضمحلال ارتش روس بمیان آمده بود .

در هر حال ، فکر نخستین ، دایر بر اینکه « شکست قطعی آلمان و فتح نهائی متفقین منوط به نبرد عظیمی است که با اعمال کلیه قوا و وسائل ممکنه نیروی دشمن را درهم شکند ، کما فی السابق بقدرت و اعتبار خود باقی بود . همین آئین تعرض ، که در « مارن » غایب فرانسویها را تأمین نموده بود ، میبایستی در سال ۱۹۱۸ نیز بفتح نهائی متفقین منتهی گردد . فرمانده جدید هم ، با فکر فرماندهان سابق موافقت داشت . منتها با این تفاوت که در آن موقع چنین تشخیص داده بود که برای اجرای چنین نبرد قاطعی فعلاً وسائل موجوده مکفی نبوده و موقع مناسب اجرای این عمل نهائی با اذ دست رفته بود و یا هنوز نرسیده بود .

نکته اخیر حقیقت داشت : زیرا در ماه مه ۱۹۱۷ این مسئله جنبه دیگری بخود گرفته بود . یعنی جنبه خاصی که با جنبه سه ماهه اول سال ۱۹۱۷ مغایرت کامل داشت . در ماه ژانویه ، توجه به همکاری و نشریک مساعی ارتش روس هنوز مورد داشت : در ماه مارس نیز ، از هم پاشیدگی جنبه شرقی بحد کمال نرسیده بود . تأثیرات دخول امریکا در جنگ نیز هنوز معلوم نبود . بنا بر این ، فرانسویها حق داشتند در اجرای عمل نهائی خود تسریع نمایند ، تا مبادا آلمانها از خطر جنبه شرقی ایمن گشته و کلیه قوای جنبه اروپای شرقی را بجنبه غرب اعزام دارند . ولی در ماه مه ، مسئله روسها کاملاً حل شده بود . از طرفی هم ، وخامت بحران روحی که در ارتش فرانسو حکم فرما بود اجرای هر گونه عمل وسیعی را ممنوع میساخت . میبایستی صبر کرد ، تا ارتش امریکا آماده کار باشد . همان طوریکه در سال ۱۹۱۵ نیز ارتش فرانسه مدنی بانتظار ماند تا انگلیسها قوای خود را مهیا کردند . اینک فرانسویها محکوم بودند باینکه انتظار سال ۱۹۱۵ را تجدید نمایند ، منتها این دفعه ۲ سال تجربه هم اندوخته بودند .

برای اجرای نقشه ایکه در فوق بدان اشاره شد ، میبایستی پیش از وقت ، در امتداد تمام جنبه ، عملیات بسیاری معالعه و بررسی شده و آرایش بسیاری از اراضی انجام گرفته باشد .

از اینرو ، فرماندهی کل نیروی فرانسه ، در عین حال که برای تنسیقات تعرضی تنظیم طرحی را بطور کلی مقرر مینمود ، دستور میداد که تمام جبهه با تنسیقات تدافعی نیز تجهیز گردد ، تا در صورت حملات دشمن (که از همان موقع پیش بینی میشد) بتوان با ترتیب و اسلوب معینی هر قطعه‌ای را که دشمن در معرض حمله یا تهدید قرار دهد با سرعت اوقات تقویت نمود .

این طرح کلی بوجه احسن صورت گرفت ، بدین طریق که یک سلسله تعرضات ، که هر یک از آنها از لحاظ مهارت عملیات و نتایج حاصله پیشرفتی در برداشت ، بوقوع پیوست . جنبه اصلی این تعرضات در عمل « غافلگیری » آنها بود ، که مسئله فوق از حیث « قدرت » را در درجه دوم اهمیت قرار میداد .

در این تعرضات ، صنف توپخانه نسبت بسایر صنوف اولویت یافت ؛ ولی به پیاده نظام هم تذکر داده شد که « مسئله تخریب کامل آرایش تدافعی تا کنون در حکم خیال خامی باقی مانده است » . بنا بر این ، پیاده نظام بایستی ، با تعلیمات طولانی و تهیه مقدمات دقیقی ، قادر گردد مقاومت‌هایی را که از آسیب توپخانه ، صون میمانند در هم شکند بطور اختصار ، تهیه و تنسیق حملات از روی کمال دقت ، اجرای حملات مزبور بوسیله پیاده نظام آزموده و ورزیده و بایشیبایی توپخانه عظیم ، اینها عبارت از حضوظ برجسته خط مشی بود که جبهه عملیات مساعد « وردن » و « مال » زن ، (Malmaison) انجام گردید ، بود .

اینک تفصیل عملیات مزبور ذیلاً نگاشته شده است .

۴) وقایع آوریل - از این سلسله حملات ، حمله نخستین در ۲۰ اوت بوقوع

پیوست . ممکن است سؤال کرد که چگونه آلمانها از ضعف و سستی موقتی فرانسویها استفاده نموده و بآنها مجال دادند تا دیگر بار با فراغت خاطر بر مشکلات فابق گشته و خود را برای کارزار مهیا نمایند . نخست ، باید دانست که در دو ماهه آوریل و مه تلفات آلمانها در جبهه غرب خیلی سنگین بوده است ، چنانکه « لودندرف » هم در یادداشت‌های خویش مینویسد : « از لحاظ فرات و مهمات ، تلفات

زیادی داده بودیم ، تعرض انگلیسها نیز کماکان ادامه داشت و هر روز قوای آلمان را تحلیل میبرد . بالاخره ، فرماندهی کل نیروی آلمان هنوز از لحاظ وقایعی که در جبهه روسها روی میداد کاملاً ایمن نبود ، و از اینرو هنوز قادر نبود قوای از جبهه شرق برداشت کرده و بجبهه غرب اعزام دارد ، تا بدین وسیله تعرضی بر علیه فرانسویها اجرا کند . بعلاوه ، « لودندرف » هم گفته است : « در ارتشهای دشمن ، روح طغیان و عصیان هم محسوس میشد ، و ای انعکاس وقایع بقدری ضعیف بود که تقریباً بر ما مجهول میماند . بعدها ، وقتی که بوخامت اوضاع واقف شدیم ، معلوم شد که فرست خوبی از دست داده ایم . از طرفی هم ، وقتی که حمله آوریل فرانسویها موقوف شده بود ، « لودندرف » تسلی حاصل کرده این واقعه را بقال نیک گرفته بود ، چنانکه بعدها نیز اعتراف کرده است : « در ماه آوریل و ماه مه ۱۹۱۷ ، با وجود فتوحات « ان » و « شاه پانی » ، فقط انقلاب روسیه بود که ما را از خطر قطعی نجات بخشید . »

در هر حال ، در نتیجه ادامه سستی ارتش فرانس ، ستاد ارتش آلمان برای اصلاح خطوطی که از ببرد آوریل آسیب دیده بودند ، یک سلسله عملیات مقرر نموده بود . این محاربات در حقیقت وقایع این نبرد را تشکیل میدادند : « محاربه « کراونن » (Craonne) (۱۹ - ۲۴ ژوئیه) ، حمله بین « هورت بیز » (Hurtebise) و « بویل » (Bovel) ؛ حمله « شوری نی - بانثن » (Chevrigny-Panthéon) (۱۰ اوت) . بالاخره ، در نتیجه ادامه حملات انگلیسها ، آرامشی در جبهه فرانسویها حکمفرما شده بود ، و همین خود مقاصد فرماندهی را تسهیل میکرد . آلمانها فرصتی را ، که بوخامت بحران روحی ارتش فرانس فراهم کرده بود ، از دست داده بودند ؛ دیگر ممکن نبود چنین فرصت مساعدی برای آنها فراهم گردد .

۴) حملات فرانسویها با هدفهای محدود : «وردن» و «مال مازن»

« لودندرف » حملات فرانسویها را ، که دارای هدفهای محدودی بوده اند ، بعنوان « عملیات محلی در دایره وسیع ، وصف کرده است . حمله نخستین در ۲ اوت ،

در «وردن» اجراء گردید . مقصود فرانسویها از این تعرض این بود که «وردن» را ، برای عملیات تعرضی بعدی خویش ، کاملاً آزاد نمایند . از ۲۷ ژوئن ارتش آلمان « شبهه ای نداشت از اینکه دشمن حمله مهمی در دو ساحل رود «موز» اجرا کند » . سه لشکر به پشتیبانی قوای که در قطعات بودند اعزام شدند ، پنج لشکر نیز برای کمک به پشت موضعها انتقال یافتند . طرز دفاع آلمانها ، در دو سمت « موز » - سمت راست و سمت چپ تفاوت زیادی داشت . در ساحل سمت چپ (نقطه ۳۰۴ - « مرت 'ام » Mort-Homme) موضع نخستین ناخط دیدگاهها مشتبه میشد . از این رو ، دفاع این خط ضرورت کاملی داشت و میبایستی بهر قیمتی که تمام شود خط مزبور حفاظت گردد ؛ همین خط ایجاب میکرد که در خطوط مقدم قوای انبوهی متمرکز گردد و واحدهای کمکی به پشتیبانی موضع نخستین گماشته شوند . در ساحل سمت راست ، خط دیدگاهها پشت جبهه و خیلی دور از جبهه واقع شده بود . از این رو ، مانور دفاعی منوط بود باینکه در عمق چه عکس العملهایی مشهود گردد .

فرانسویها ، تهیه توپخانه (۱) را با دقت مخصوصی انجام داده و نادر مناطق عقب ، که لشکرهای کمکی اشغال کرده بودند ، بسط دادند .

در ۲۰ اوت ، ساعت ۴ و ۰۴ دقیقه ، حمله فرانسویها آغاز گردید . در ساحل سمت چپ ، حمله مزبور از خط نخستین گذشته و لشکرهای کمکی را بعقب راند . فرانسویها نقطه ۳۰۴ و « مرت 'ام » را دیگر بار تصرف کرده و در ۲۴ اوت بساحل رودخانه « فرژ » (Forges) رسیده و بکلیه هدفهای خود نائل شده بودند . در ساحل سمت راست ، سرعت پیشروی آنها عکس العمل آلمانها را خنثی میکرد :

(۱) توپخانه ملزومات زیادی داشت : مثلاً ، سپاه ۱۶ ، که مأمور تصرف نقطه ۳۰۴ و « مرت 'ام » بود ، در يك جبهه ۴۰۰۰ متری ، ۶۱۰ توپ در اختیار داشت (از قرار هر ۷ متری يك توپ) از این قرار : ۴۸ توپ سنگری ، ۲۲۸ توپ ۷۵ ، ۱۱۶ توپ ۱۵۵ کوتاه ، ۴۸ خمپاره انداز ۲۲۰ ، ۵۴ توپ بلند (۹۵ - ۱۰۵ - ۱۲۰) ، ۸۴ توپ بلند ۱۵۵ ، ۱۲ خمپاره انداز ۲۷۰ و ۲۸۰ .

ولی ، با این وصف ، رده بندی قوای آلمانها مانع از این بود که در جناح راست بکلیه هدفهای خود نائل شوند : آلمانها ، با حمله متقابل ای ، فرانسویها را در منطقه « بوالوشوم - له کوریر » (Bois-le-Chaume-les Caurières) بمقرب راندند . در جناح چپ ، فرانسویها به « بومون » (Beaumont) ، نقطه ۳۴۴ و « ساموانیو » (Samogneux) نائل گشتند .

کلیه لشکرهای آلمان (در حدود ۱۲ لشکر) درگیر شده بودند . از ماه اوت تا ماه نوامبر ، ۳۶ لشکر آلمانی بقطعه «وردن» انتقال یافتند .

فرانسویها ۱۰،۰۰۰ اسیر بدست آورده و بمقصد نهائی اینعمل نائل شده بودند ، چنانکه لودندرف هم در تأیید این نکته یادداشت کرده است :

دارتس فرانسه دیگر بار برای اقدام بنرض مستعد شده بود . ارتش مزبور با سرعت اوقات بر مشکلات بحران اخیر فایز گردیده بود .

مقصد فرانسویها از عملیات «مال مه زن» (Malmaison) این بود که ارتفاعات « لافو » (Laffaux) را تصرف کرده و دشمن «ده-دام» (Chemin-des-Dames)

را رها سازند . برای این عمل ، سه سپاه (از چپ بر است : سپاههای ۱۴ ، ۱۵ و ۱۱) به پشتیبانی توپخانه عظیمی (۱) تخصیص یافته بود .

آلمانها ، همانطوریکه در «وردن» بانظار حمله ماندند ، حالیه نیز منتظر حمله بودند . از نیمه اکتبر ، مسئله تخلیه ارتفاعات « لافو » (Laffaux) بمیان آمده بود . ولی ستاد گروه ارتشهای آلمانی ، که در موفقیت نیروی آلمان اطمینان کاملی داشت ، فرماندهی کل را وادار ساخت بمحاربه تن در دهد . این بود که ۲ لشکر کمکی به ۶ لشکر موجوده ایکه در خط بودند افزوده شد .

در ۲۳ اکتبر ، پس از ۶ روز تهیه (عمل تهیه ، بمناسبت بدی هوا ، ۲ روز بیشتر طون کشیده بود) پیاده نظام فرانسه موضعهای عزیمت خود را ترک کرده در جناح چپ و در مرکز ، پیشروی ، همانطوریکه پیش بینی شده بود ، صورت گرفت : طرف عصر ،

(۱) مثلاً ، توپخانه هر لشکری سه برابر رسیده بود .

« آلمان ، اُودِسُن ، وِشاوی نین ، (Allemand, Vaudesson, Chavignon) بدست فرانسویها افتاد . ولی در جناح راست ، در مقابل « پانته‌ئن - له‌بووت » (Panthéon-les Bovettes) با عدم موفقیت مواجه گشتند . ولی با این وصف ، در ۲۵ ، پیشروی آنها ادامه یافت : « پی‌نن » (Pinon) و جنکل را بتصرف در آورده و به « اِیلت » (Ailette) نائل شدند . در ۲۶ ، مقاومت آلمان در جناح راست آنها نیز درهم شکست : در اینجا هم از « پارینی - فیلن » (Pargny-Filain) تجاوز نموده به « اِیلت » رسیدند .

بدین طریق ، فرانسویها ، در مدت چهارروز ، در جبهه ۱۲ کیلو متری پیشروی کرده و در بسیاری از نقاط تا ۶ کیلو متر پیشرفت نموده بودند . آلمانها قریب ۷۰۰۰۰ نفر تلفات داده بودند ، چنانکه « لودندر ف » مینویسد :

« چند لشکر قطعه قطعه و نابود شدند . غنائم جنگی فرانسویها به ۱۱۰۵۶۰ اسیر ، که ۲۴۰ زن از آنها افسر بودند ، ۲۰۰ نوپ ، ۲۲۲ بمب افکن ۷۲۰۰ مسلسل بالغ میشد . ولی مجموع تلفات آنها از ۱۴۴۰۰۰ نفر تجاوز نینمود .

طوای نکشید که تأثیرات محلی فتح فرانسویها محسوس افتاد . دو مرتبه ، یکی از لشکرهای آلمان که از « شرمیزی » (Chermizy) عزیمت کرده بود ، در تحت تأثیر نیرهای موټرب فرانسویها ، بتصرف قلعه « کورته کن » (Courtecon) توفیق نیافت ، در ۲ نوامبر ، آلمانها تمام « شمن - ده - دام » را ، بین « شوری نی » و « کرا ئن » (Chevrigny-Craonne) تخلیه نموده و پشت « اِیلت » عقب نشینی کردند . « لودندر ف » عملیات فرانسویها را بدین طریق وصف کرده است : « فرانسویها با فعالیت تامی زد و خورد سختی کردند » .

در ۱۵ دسامبر ، فرمانده کل نیروی فرانسه عملیات این چند ماهه اخیر سال ۱۹۱۷ را ، در طی « یادداشتی راجع بحملات اخیریکه هدفهای محدودی داشته‌اند »

خلاصه کرده است ، باین مضامین : « این تعرضات ، که در دستور شماره ۱ مقرر شده بود : متناسب با وضعیتی بود که عواملی چند بوجود آورده بود ، یعنی از یکطرف ، تلاش فوق العاده آوریل ۱۹۱۷ ارتش فرانسه که دیگر مقدور نبود

باین زودی تجدید گردد ، و از طرف دیگر ، ضرورت تجدید قوای ارتش بقسی که در پایان سال ۱۹۱۷ ارتش تازه نفسی وجود داشته باشد . این خط مشی هیچگونه نتیجه قاطعی در بر نداشت ، بلکه یگانه منظور اعمال این سبک جدید نبرد این بود که ، از لحاظ تحلیل بردن قوای دشمن و تصرف یک قسمت از اراضی محلی (رها ساختن «وردن» ، فتح «شمن - ده - دام») ، موفقیت‌هایی تحصیل شود ، و در حین تأمین این پیشرفت‌ها ارتش آزموده و ورزیده‌ای ، ارتش پایدار و با اعتمادی فراهم گردد . اینک نتایج که از این حملات انتظار میرفت بوجه احسن عاید گردیده است .

پس فرماده کل بیروی فرانسه فرصتی داشت که از روی کمال آرامش و با فراغت خاطر با حوادث سال ۱۹۱۸ مواجه شده و ارتش فرانسه را امیدوار سازد ، باین مضمون : « طاقت و صبر را از دست ندهید و با ایمان راسخی پایدار بمانید . اگر آرزوی صالح ناشتاب زدگان است ، تحمیل شرائط صالح هم ناآهائی است که در استقامت و پایداری خود راسخ‌تر میباشند » .

ب) عملیات انگلیسها . (نقشه شماره ۲۸)

در نتیجه تعرض ۹ آوریل ، ارتفاعات « ویمی » (Vimy) و غنائم عمده ای بدست انگلیسها افتاده بود . ستاد ارتش آلمان ، بمسأله شکافی که در موضعهای مقدمه آن باز شده بود ، نگرانی سستی داشت ، زیرا خطوط عقب نشینی هنوز آماده نبود . ولی این تعرض هم ، با عملیاتی که فرانسویها در « ان » اجرا میکردند ، ماورواحدی را تشکیل میداد ، از اینرو . این تعرض نیز با همان عملیات در آن واحد موقوف شده بود .

۱) نبرد « فلاندر » (Flandres) - عصر موقتی ارتش فرانسه ایجاب میکرد که ارتش انگلیس تا جندی بارسنگین مقابله با ارتش آلمانرا بکند و تنها تحمل نماید . نبرد بزرگ « فلاندر » ، که چهار ماه بطول انجامیده (از ۷ ژوئن تا ۹ اکتبر) و ۷ تعرض خیلی سخت و عکس العملهای شدیدی را از جانب آلمانها حائز بوده است ، از همین جا ناشی شده است .

مہرہ کردان ، کاندھالی نزدیک امیر
(مطابقت صلحہ ۵۲۸)



هدف این نبرد ، در بادی امر ، از این قرار بود : حمله مضاعفی یکی متکی بساحل | سرپل « نیوپر » (Nieuport) ، و دیگری مبتنی بر بلندی « ایپر » (Ypres) ، در سمت ارتفاعات « پایشن دائل » (Paschendaele) ، بمنظور اینکه از يك طرف اشغال ساحل بلژیک را برای آلمانها غیر مقدور سازد ، و از طرف دیگر آنها را وادار نماید تکیه گاههای زیر دریاها را ، که در آن موقع فعالیت آنها مایه نگرانی بود ، رها سازند . ولی در ۱ ژوئیه ، آلمانها حمله ای اجرا کرده و سرپل « نیوپر » را تصرف کردند ، از اینرو ، مبدأ حمله جناح چپ از دست انگلیسها گرفته شد و بدین مناسبت حمله مزبور موقوف گردید . بنا بر این تعرض انگلیسها ، چون بحمله جبهه ای « ایپر » (Ypres) محدود شده بود ، شکل زدو خوردی بخود گرفت (نظیر « برد ») که با کمک واحد های فرانسوی | فرمادهی ژنرال « آنتوان » (Anthoine) | بقصد تحلیل بردن قوای دشمن اجرا میشد .

بر « فلاندر » بشکل حمله ناگهانی انگلیسها در مقابل بلندی « ویت چارنت - مسین » (Wytschaete-Messines) در ۷ ژوئن آغاز گردید . يك رشته آرایشهای نقبی عظیمی ، که از دیر گاهی باجمام رسیده و خرج گذاری شده بود ، موضع آلمانها را واژگون نمود (آلمانها این نقبها را فراهم کرده بودند) . آتش توپخانه هم حملات متقابل آلمانها را منتهی ساخت . عصر آروز ، آلمانها خط « هل - یخ - وارتن » (۱) (Hollebech-Warneton) را اشغال میکردند .

در ۳۱ ژوئیه ، انگلیسها ، به پشتیبانی یکی از لشکرهای فرانسوی ژنرال « آنتوان » که جناح چپ آنها را از پهلو تقویت میکرد ، در جبهه ای بامتداد ۲۴ کیلومتر ، از « بیکس شوت » (Bixchoote) تا « لیس » (Lys) حمله کردند . نونهای آلمانها ، تا عمق ۳۰۰۰ متری ، بتصرف آنها درآمد . اودندرو تلفات و خسارات آلمانها را خیلی زیاد (۲) قلمداد کرده است ، باین مضمون : « تلفات آلمانها ،

(۱) در این نبرد ، ۷۱۳۴۲ اسیر ، ۴۷ توپ و ۲۴۲ مسلسل بدست انگلیسها افتاد .

(۲) انگلیسها ۶۰۰۰ نفر اسیر صورت میدادند .

از لحاظ اسراء و ملزومات ، بمیزان خیلی زیادی بالغ میشد .

از ۱۶ تا ۳۰ اوت ، حمله در شمال ، از « سن ژولین » (Saint-Julien) تا « نردشوت » (Nordschoote) ، توسعه یافت .

انگلیسها « لانژمارک » (Langemark) را تصرف و تا « پوئل کاپل » (Poelcapelle) پیشروی کردند . (۱) ولی حمله متقابله آلمانها ، آنها را از نقطه اخیر بعقب راند .

در ۲۰ و ۲۶ سپتامبر ، در مرکز جبهه ، دیگر بار بحمله مبادرت شد ، انگلیسها به « زوبلک » (Zonnebeke) نائل گشتند .

در ۱ اکتبر ، محاربه در امتداد ۱۳ کیلومتر ، در سمت « پاشندائل » ، تجدید گردید ، کایه ارتفاعات غربی شهر و کلیه دیدگاههای مشرف بجلگه از « رولر » (Roulers) تا « کورتره » (Courtrai) بدست انگلیسها افتاد .

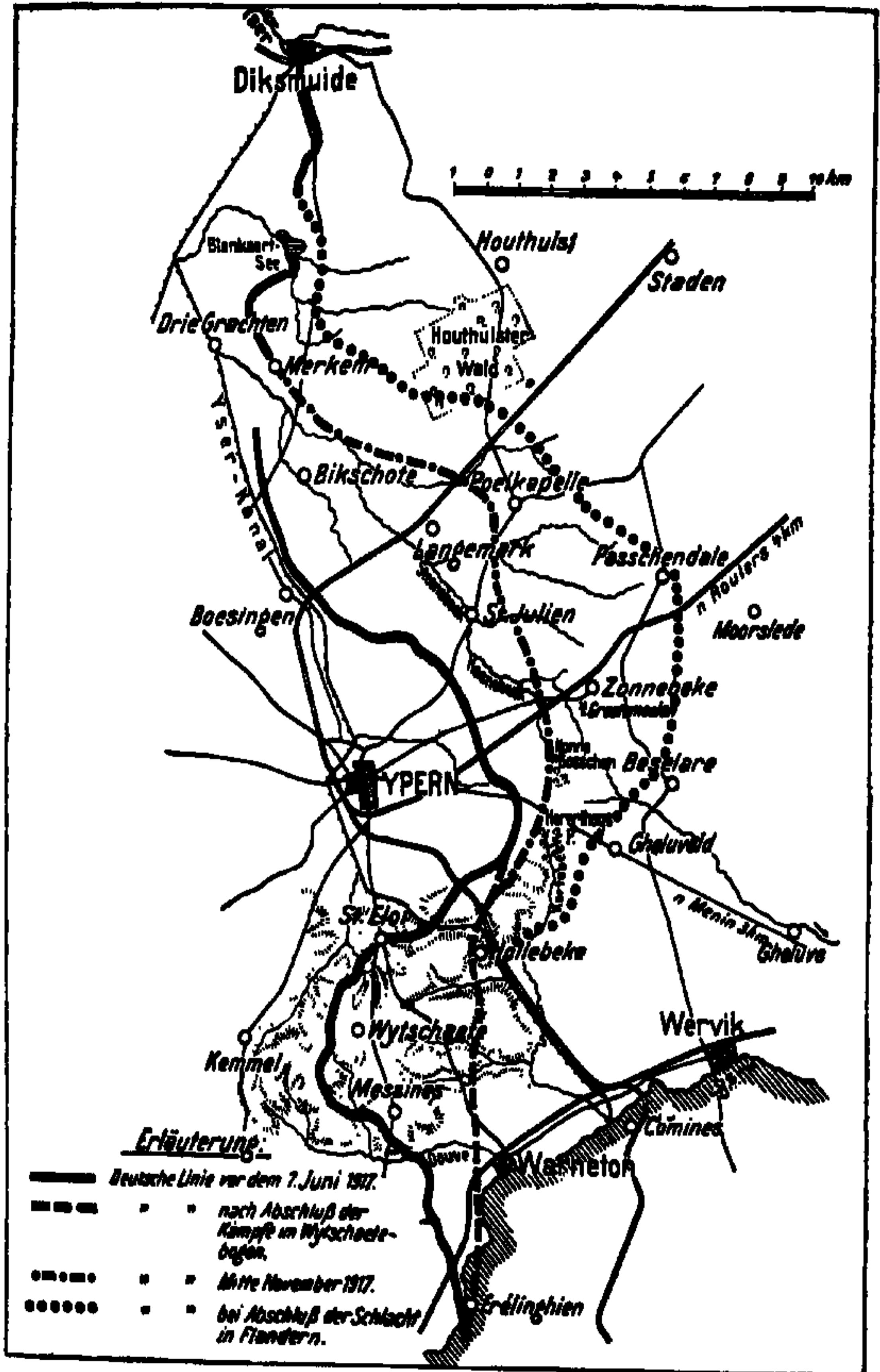
حمله انگلیسها مقارن همان موقعی بود که آلمانها خود را برای حمله مهیامیکردند . از قوایی که آلمانها از جبهه شرق (روسیه) انتقال داده بودند ، پنج لشکر آسیهای سختی دیدند : تلفات آنها بحدی بود ، که قادر بحمله متقابله نبودند و سه لشکر آنها نیز بلافاصله از جبهه برداشت شده و بعقب اعزام گشتند .

عاقبت ، در ۹ اکتبر ، انگلیسها بحوالی « پاشندائل » و حد خارجی جنگل « هوثولست » (Houthülst) در رسیدند .

بدی هوا باین برد سخت حاتمه داد .

در مدت ۴ ماه ، ارتشهای انگلیس در جبهه ای بامتداد ۳۰ کیلومتر موضعهای آلمان را در عمق ۶-۷ کیلومتری جبهه تصرف کرده و ۳۰۰۰۰ اسیر ، که ۷۰۰ افسر در میان آنها بود ، بدست آورده بودند . از ۳۱ ژوئیه تا ۱۱ اکتبر ، ۷۰ لشکر آلمانی ، یعنی تقریباً بیمة کلیه قوای موجوده دشمن در جبهه غرب ، در این برد درگیر شده بودند . بهمین مناسبت ، شرکت ارتش آلمان در تعرض « کاپرتو » (Caporetto) بی اندازه محدود گردید . از این رو ، آرایش نسبی

(۱) در این حمله ، انگلیسها ۷۰۰۰ اسیر و ۴۸ توپ از آلمانها گرفتند .



نبرد فلاندر (ژوئن - نوامبر ۱۹۱۷)

(مقابل صفحه ۵۴۰)

که در این مدت در جبهه فرانسویها حکمفرما گردید مرهون فعالیت نامی بود که انگلیسها در قبال آلمانها اعمال کرده بودند .

ولی ، موضوع تحلیل رفتن قوا ، متوجه هر دو طرف متخاصم شده بود . ارتش انگلیس هم بسهم خود سخت متأثر شده بود ، مخصوصاً از حیث کادر که تلفات خیلی زیادی بآن متوجه گردیده بود . همین مسئله تحلیل رفتن کادر ارتش انگلیس بعدها در سال ۱۹۱۸ بوجه کاملی محسوس خواهد شد . ارتش انگلیس در قبال متفقین خدمت بزرگی کرده بود ، و این خدمت بقیمتهای گزافی تمام میشد .

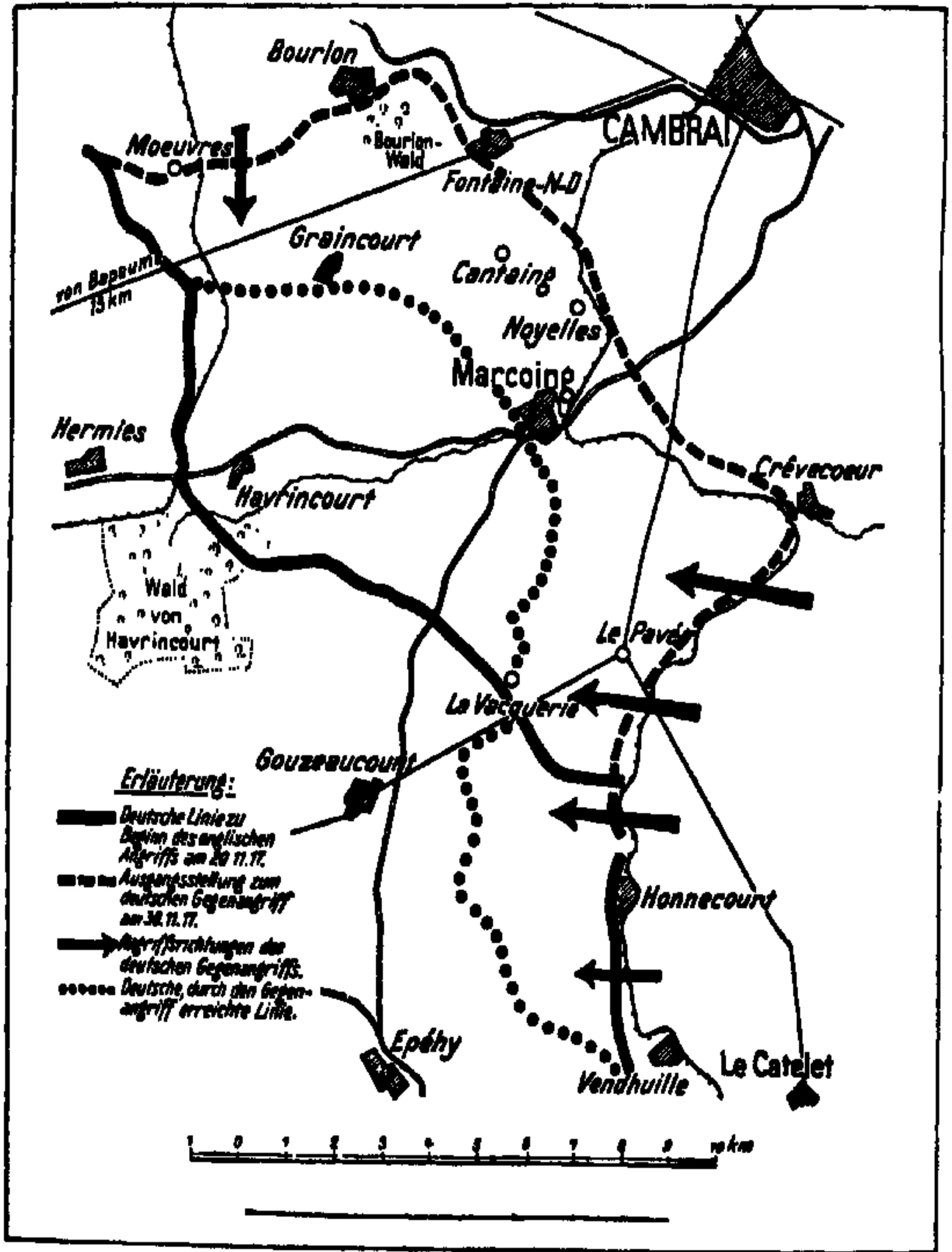
۲) نبرد « کامبره » (Cambrai) (نقشه شماره ۳۹) - ستاد ارتش انگلیس در صدد بود سبک ، یعنی طریقه دیگری برای حمله بیاندیشد ، نه نبردهای وفلاندره که خیلی گران تمام شده بود ، نه عملیات جبهه فرانسوی که بر مبنای توپخانه متکی بود ، هیچیک ستاد ارتش انگلیس را قانع نکرده بود . تصمیم وی بر این بود که در یک قطعه آرام جبهه ، حمله ای از طریق اغفال اجرا کند ، بقسمی که در صورت امکان شکاف کاملی تحصیل نماید . لهذا ، باین فکر افتاد که تا حدی بجای تهیه توپخانه (که بمناسبت طول مدت عملیات ، آمد و رفت زیاد ، و نقل و انتقال ملزومات معتناهی عمل غافلگیری را دچار اشکال میساخت) ، به استعمال توده ارا به های جنگی زیادی متوسل گردد . قرارگاه کل نیروی فرانسه ، که از ابتدا باین سبک جدید موافقت نموده بود ، فعلاً قادر نبود بچنین آزمایشی تن در دهد ، زیرا ساختمان ارا به های جنگی ، با اینکه با کمال فعالیت تعقیب میشد ، هنوز احتیاجات لازمه را تأمین نکرده بود .

منظور نخستین این حمله آزمایش بود ، ولی فرماندهی کل نیروی انگلیس ، با موافقت قرارگاه کل نیروی فرانسه ، مصمم بود از شکاف جبهه دشمن استفاده نماید ، مشروط بر اینکه شکاف جبهه بوجه احسن انجام گرفته و شرایط مساعدی را فراهم گرداند . قطعه ای که برای این منظور انتخاب گردید عبارت بود از قطعه « هاور نکوره » (Havrincourt) ، در مقابل « کامبره » ، از « موور » (Moeuvres) تا « گنلیو » (Gonnelieu) [۱۰ کیلومتر] . وسائل حمله عبارت بود از ۲ سپاه ،

۵ لشکر سوار ، ۴۵۰ ارابه جنگی و ۱۰۳۰ نوب . قرار بر این بود که بلا فاصله پس از ایجاد شکاف (یعنی بمحض اینکه عده های سبك اسلحه حمله از « کامبره » تجاوز کردند) ۳ لشکر انگلیسی رو بشمال در سمت « آرلو » (Arleux) هجوم برده ، از پیدایش شکاف نتیجه گرفته و از این موقعیت استفاده نمایند ، و در عین حال ، از طرف جنوب هم ، ۲ لشکر پیاده نظام و ۲ لشکر سوار نظام فرانسوی ، باتفاق يك سپاه انگلیسی ، فرماندهی ژنرال « دکوت » (Degoutte) در سمت « گوئیز » (Guise) تهاجم نمایند . ظلمت شبهای تاریک و مجاورت پیشه بزرگ « هاورنکور » تهیه مقدمات را با سهولت زیادی فراهم ساخت ، بقسمیکه حمل ملزومات تا به « پای کار » بی سر و صدا انجام گرفت .

بامداد ۲۰ نوامبر ، در همان موقعی که آتش توپخانه شروع شد ، ارابه های جنگی نیز حرکت افتادند ، و پشت سر آنها هم پیاده نظام برآه افتاد . انگلیسها در جلو « فلسکیر » (Flesquières) با مقاومت دشمن مواجه شده و لحظه ای متوقف گشتند ، ولی طولی نکشید که آلمانها کاملاً غافلگیر شده و انگلیسها بر آنها فایز آمدند و از تمام خط هیندنبورگ تجاوز کردند ، و بدین طریق در جنوب به « ماس نیر » (Masnières) و در شمال به « فن تن نتردام » (Fontaine-Notre-Dame) و « بوا بورلو » (Bois-Bourlou) در رسیدند . « پروویل » (Prouville) و حومه « کامبره » بوسیله سوار نظام اشغال گردید . ولی يك لشکر آلمانی ، که بر حسب اتفاق در این نقطه پیاده میشد ، بجلوی « کامبره » رانده شد . آلمانها فرصتی تحصیل کرده و خود را مهیا کردند . موقع غافلگیری منقضی گردید . انگلیسها ۸۰۰۰ اسیر بدست آورده و در موضع نوین خود قرار گرفتند . وضعیت بقدری مساعد نمینمود که برای استفاده از موقعیت عده های لازمه را مداخله دهند .

آلمانها بدون فوت وقت تهیه حمله متقابل ای اقدام کردند . بامداد ۳۰ نوامبر با ۱۱ لشکر ، از دوپهلوی شکاف ، از شمال در سمت « گرنکور » (Grincourt) و از جنوب در سمت « گنلیو » (Gonnelieu) حمله ور شدند . حمله نخستین



نبرد کامبره (نوامبر - دسامبر ۱۹۱۷)

(مقابل صفحه ۵۴۱)

موفقتی پیدا نکرد ، ولی در نتیجه حمله دومی خط انگلیسها شکافته شد و قوای مهاجم تاد کوزو کور ، (Gouzeaucourt) پیشرفت کردند . در نتیجه مداخله قوای تازه نفس انگلیسها ، و مخصوصاً دولشکر فرانسوی ، موقعیت اوایه بازگشت یافت ، ولی استرداد تمام زمین هائی که متفقین از دست داده بودند میسر نشد ، آلمانها اسرای زیادی ، معادل همان میزانی که با انگلیسها داده بودند ، از انگلیسها بدست آوردند .

ذکر این عملیات ، اهمیت بسزائی در بر دارد . اینک ، در دفعه نخستین ، با توسل سلاح بوینی ، یعنی با استعمال ارابه جنگی شکافتن جبهه دشمن در حداقل مدت میسر میگردد ، عمل غافلگیری ، که عامل مهم فتح است ، اینک با این سلاح تأمین میشود . عملیات «ریگا» (Riga) ، که شرح آن در آیه درج خواهد گردید مقدمه حمله ۲۱ مارس ۱۹۱۸ خواهد بود : عمل غافلگیری « کامبره » هم مبشر حمله ایست که در ۱۸ ژوئیه ۱۹۱۸ اجرا خواهد شد .

نبرد « کامبره » آخرین برده ایست که در سال ۱۹۱۷ در جبهه غرب روی داده است .

ثانیاً - انقلاب روسیه عکس العمل آن در ایتالیا

در حائی که در جبهه غرب ارتشهای فرانسوی و انگلیس ، عالی رغم موفقیتهای ناکتیک خویس ، حکومت بانخاذ ، ویداستراتژی تدافعی بود در جبهه شرق انقلاب روسیه مراحل تکامل را پیموده و نتایج آن پیش از پیش محسوس میشود .

الف) واژگونی جبهه روس

۱) تعرض « کرنسکی » (Kerensky) - آلمانها ، از وقتیکه در ماه آوریل ضربت آخری خود را در کنار « ستوخود » (Stochod) وارد آورده بودند ، از لحاظ نگرانی ارتش روس ایمن شده بودند ، از طرفی نیز ، بمناسبت وقایعی که در جبهه غرب روی میداد اندیشناک بودند ، این بود که توجه خود را بآن جبهه

معطوف داشتند ، بامید اینکه انقلاب روسیه عظمت نظامی روسیه را واژگون ساخته و بکلی منهدم سازد .

« کرنسکی » از سویا بستهای انقلابی بود ، در کابینه ائتلافیون که ابتداء حزب آزادیخواهان را مجبور بکناره گیری نموده بود ، وزارت جنگ را عهده دار بود . در میان اغتشاش و پریشانی اوضاع عمومی ، « کرنسکی » همتی گماشت ، تا شاید دیگر بار ارتش را بوضع نخستینی که داشت بازگرداند .

برای تأمین این منظور ، نخست عناصر فرماندهی عالی را تشکیکیل داده و بروسلف را فرماندهی کل نامزد نمود ؛ و سپس ، با ایراد حقوق های « بهنجی » در سدد برآمد ، نظم و انضباط ارتش را اعاده دهد .

در یکم ژوئیه ، امر داد دیگر بار تعرض در دوست « ستانسیلاو » (Stanislau) تجدید گردد .

پس از مختصر تهیه مقدماتی نوپخانه ، عده ها ، که تحت تاثیر خطهای مؤثر وزیر جنگ تهییج شده بودند ، تحت امر افسرانی که آنها را به پیشروی تحریک و هدایت مینمودند ، بدشمن حمله ور شدند . غافلگیری دشمن ، که منتظر چنین حمله ای نبود ، بوجه اکمل صورت گرفت . « کالوش » (Kalusz) تصرف شد ، و روسها به « هالیچ » (Halicz) رسیدند . در ۱۳ ژوئیه ، غنائم جنگی روسها بمقادیر معتابهی بالغ میشد (۳۶۰۰۰ - ۹۳ نوپ) . این حمله ، که مانده والمی ، دیگری ، « والمی روسها » (Valmy) ناقلی میشد ، آخرین خیزی بود که ارتش محکوم بمرگی ، در حال احتضار ، اجراء میکرد . طولی نکشید که آلمانها قوای خود را آرایش داده و بحملات متقابله ای اقدام کردند . شوق و شغف روسها فرونشست ، افسران زیادی دسته دسته ، در راه بایداری خود ، کشته میشدند ، بدون اینکه فدا کاری و جانبازی آنان در عده هائیکه آماده فرار بودند تأثیر بخشد .

(۲) تعرض متقابله اطریشها و آلمانها - در ۹ ژوئیه ، آلمانها از زلوجوو ، (Zloczow) ، در سمت « نارنیل » (Tamopol) بجملة متقابله مبادرت کردند .